

Analysis and Explanation of the Teaching Characteristics of Professor Motahhari as a Model Teacher Aligned with the Fundamental Reform Document of Education

Esmat Hemmati^{ID}

Department of Islamic Studies, Farhangian University, Tehran, Iran.
e.hemmati@cfu.ac.ir

Abstract

Professor Morteza Motahhari is one of the most influential cultural figures of the contemporary era. Exploring the dimensions of his teaching persona, research methodology, and conduct can outline aspects of an ideal teacher model for the Islamic education system. This descriptive-analytical study draws on memoirs from his family, students, and colleagues, as well as his written works. The Islamic educational system and the Fundamental Reform Document emphasize the cultivation of guiding and impactful teachers with holistic personal development. Achieving this goal requires focused attention on teachers' spiritual and professional growth, necessitating practical role models. Professor Motahhari's personality and works demonstrate his suitability as a model. By analyzing various dimensions of his character, salient points for teacher training can be practically applied. His ethical traits—such as sincerity, adherence to religious principles, discipline, patience, kindness, and open-mindedness—combined with profound knowledge, audience-tailored content delivery, and engaging teaching techniques define his educational ethos. In research, his success stemmed from depth, coherence, intellectual freedom, principled directionality, and problem-centricity, which underpin the enduring relevance of his works.

Keywords: Morteza Motahhari, Teacher, Islamic Education System, Fundamental Reform Document of Education.

Received: 2024/10/17 ; **Revised:** 2024/11/23 ; **Accepted:** 2024/12/22 ; **Published online:** 2025/03/26

Cite this article: Hemmati, E. (2025). Analysis and Explanation of the Teaching Characteristics of Professor Motahhari as a Model Teacher Aligned with the Fundamental Reform Document of Education. *Research Quarterly of Islamic Education and Training*, 6(1), p. 105-124. <https://doi.org/10.48310/RIET.2025.17399.1297>

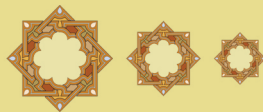
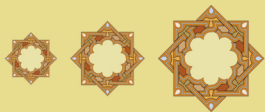
Publisher: Farhangian University

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Article type: Research Article





تحلیل و تبیین شاخصه‌های معلمی استاد مطهری به‌عنوان الگوی معلم تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

عصمت همتی 

گروه آموزشی معارف و الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. e.hemmati@cfu.ac.ir

چکیده

استاد مرتضی مطهری یکی از مهم‌ترین شخصت‌های تأثیرگذار فرهنگی دوران معاصر است. کنکاش در ابعاد شخصیت و منش تدریس و تحقیق این استاد محقق می‌تواند ابجدی از الگوی معلم تراز نظام تعلیم و تربیت اسلامی را ترسیم کند. در این راستا، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، و با تکیه بر یادنامه‌هایی که مجموعه‌ای از خاطرات خانواده، شاگردان و دوستان استاد است و با مراجعه به برخی آثار قلمی ایشان انجام شده است. مطلوب نظام تربیتی اسلام و سند تحول، تربیت معلم هدایت‌گر و تأثیرگذار در همه ابعاد شخصیتی است. رسیدن به چنین هدفی مستلزم توجه خاص به رشد معنوی و حرفه‌ای معلمین است. برنامه‌ریزی این مهم مستلزم ارائه و معرفی الگوهای عملی است. شخصیت و آثار استاد مطهری نشان می‌دهد که او الگویی مناسب است که به دلیل نزدیکی به زمان حال، می‌توان با تحلیل ابعاد مختلف شخصیت وی، نکات برجسته‌ای را برای تربیت معلمین مورد بهره‌برداری عملی قرارداد. ویژگی‌های اخلاقی استاد مطهری در اخلاص و تقید به شریعت، به همراه نظم، صبوری، مهربانی و سعه‌صدر در کنار علم عمیق، ارائه کاربردی مطالب مطابق با نیاز مخاطب و رعایت ظرافت‌های تدریس جذاب، مهم‌ترین نکات منش آموزشی استاد است و در حوزه پژوهش، پیوستگی و عمق تحقیقات به همراه حریت و آزادگی قلم و جهت‌داری و مسئله‌محوری، مهم‌ترین اصول توفیق و موفقیت پژوهشگری و رمز ماندگاری آثار استاد مطهری است.

کلیدواژه‌ها: مرتضی مطهری، معلم، نظام تعلیم و تربیت اسلامی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۶؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۰۶
استناد به این مقاله: همتی، عصمت (۱۴۰۴). تحلیل و تبیین شاخصه‌های معلمی استاد مطهری به‌عنوان الگوی معلم تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۶(۱)، ص ۱۰۵-۱۲۴. <https://doi.org/10.48310/RIET.2025.17399.1297>



۱. مقدمه

استاد مطهری تقریباً شصت سال زندگی کرد و در عمر نسبتاً کوتاه خود، بیش از هفتاد عنوان علمی به جای گذاشت و هزاران شاگرد از حضورش بهره بردند. مجموعه آثاری که برخی مربوط به پیاده کردن نوارهای کلاس درس ایشان بوده و در ۲۸ جلد منتشر شده است؛ که به فرموده امام خمینی بی‌استثناء آموزنده و روان‌بخش است (امام خمینی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۳۲۴). از ایشان، سی هزار فیش و یادداشت به جای مانده است. تنوع آثار قلمی در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی مانند فلسفه، کلام، عرفان، تفسیر، فلسفه دین، اخلاق و تربیت اسلامی و مسائل اجتماعی و سیاسی، همچنان تشنگان را به‌خوبی سیراب می‌کند و با گذشت چهل و پنج سال از شهادت ایشان، می‌توان گفت آثار قلمی استاد مطهری در بسیاری از مباحث، بی‌بدیل مانده است. اما مطهری، نه به‌عنوان یک فیلسوف، متکلم یا فقیه، بلکه به دلیل شاکله شخصیتش، به نام استاد و معلم در ذهن‌ها جای گرفته است و روز شهادتش در تقویم ملی کشور، به‌عنوان روز بزرگداشت مقام معلم نام‌گذاری شده است؛ تا یادآور این نکته باشد که مطهری الگوی معلم تراز مکتب اسلام است. بر متصدیان نظام تعلیم و تربیت اسلامی لازم است که با تأمل بر زندگی و سیره عملی این استاد شهید در دو ساحت تدریس و تحقیق، نکات مهم کاربردی را بازخوانی کنند؛ تا در دانشگاه فرهنگیان که مأموریت تربیت معلم، مطابق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را دارد (سند تحول آموزش و پرورش، ۱۳۹۰)، محور برنامه‌ریزی شایستگی‌های تربیت حرفه‌ای معلم قرار گیرد. بدون شک، همه متصدیان تعلیم و تربیت، متفق‌اند که ویژگی‌های شخصیتی هر مربی، پیش‌نیاز ضروری تأثیرگذاری و هدایت‌گری او است (باقری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۴۴). در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نقش معلم به‌عنوان هدایت‌کننده و اسوه‌ای امین و بصیر در فرآیند تعلیم و تربیت و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور معرفی می‌شود (سند تحول آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). پیامبران الهی در قرآن کریم به‌عنوان بزرگ‌ترین معلمین جامعه بشری، «اسوه» معرفی شده‌اند و خداوند در معرفی آنها، گاه به‌طور مستقیم امر به پیروی کرده و می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» (ممتحنه، ۳) و گاه، ویژگی‌های نیکویی که باید مورد تأسی قرار گیرد، مانند حلیم، آواب، شکور، صادق الوعد، صبور و... را ذکر کرده است. استاد مطهری، راز موفقیت و گسترش سریع اسلام را در کنار اعجاز قرآن، اخلاق و شخصیت پیامبر می‌داند (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۲۰۵). پیامبر (ص) در قرآن با صفاتی همچون صاحب خُلق عظیم بودن (قلم، ۳)، نرم‌خویی (آل عمران، ۱۵۹)، علاقه‌مند و دلسوز و حریص به هدایت (توبه، ۱۲۸؛ کهف، ۶؛ نمل، ۷۰؛ فاطر، ۸۰؛ یس، ۷۶)، ستوده شده است و به تواضع (شعراء، ۲۱۵) و صبر و تحمل مشقات رسالت، مانند همه پیامبران اولوالعزم سفارش می‌شود (احقاف،

۳۵) و برای اینکه بتواند سختی‌های انجام رسالت الهی را تحمل کند، امر به انجام عبادت و ارتباط بیشتر با خداوند می‌گردد (اسراء، ۷۹؛ مزمل، ۳-۷). کسب چنین ویژگی‌هایی برای همه کسانی که بخواهند در مسند تعلیم و تربیت در چارچوب نظام تربیت دینی قرار گیرند، ضروری است. استاد مطهری، پرورش‌یافته مکتب قرآن است که سال‌ها توفیق کسب معرفت از محضر اساتید برجسته‌ای همچون آیت‌الله بروجردی (مطهری، ۱۳۶۳، ص ۲۱۰)، امام خمینی (مطهری، ۱۳۶۰، ص ۶۱۲، ۶۲۰)، (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۹)، علامه طباطبایی (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۸۹)، حاج میرزاعلی آقا شیرازی (مطهری، بی‌تا/ الف، ص ۲۵۰)، را داشته که خود در آثارش به رسم قدرشناسی، با عظمت فراوان از آنها نام می‌برد. در این پژوهش، نکات برجسته تدریس و تحقیق استاد مطهری در سه بخش منش معنوی و اخلاقی، منش آموزش و تدریس و منش تحقیق و پژوهش، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

بعد از شهادت استاد مطهری، پژوهش‌های مختلفی در مورد ایشان انجام شده است، از جمله، واثقی‌راد (۱۳۶۴) در پژوهشی با عنوان «مطهری مطهر اندیشه‌ها»، وجوه مختلف دفاع عقیدتی استاد را مورد کنکاش قرار داده است. انتشارات مدرسه (۱۳۷۰) نیز در پژوهشی با عنوان «جلوه‌های معلمی استاد مطهری»، با بیان گوشه‌هایی از زندگی استاد و مصاحبه با همسر و شاگردان ایشان، مقالاتی درباره وجوه مختلف شخصیت علمی و مبارزات اجتماعی استاد ارائه و سعی کرده در راه شناساندن شخصیت شهید مطهری گامی بردارد. سیدناصری و ستوده (۱۳۷۷)، نیز در تحقیقی با عنوان «پاره‌ای از خورشید»، گفته و ناگفته‌هایی از زندگی شهید مطهری را به رشته تحریر درآورده‌اند.

سبحانی، باقی‌نصرآبادی و نگارش (۱۳۸۱)، در پژوهشی رمز موفقیت استاد مطهری را با تحلیل خاطرات شاگردان ایشان بررسی کرده‌اند. خردمند (۱۳۸۰)، شهید مطهری را مرزبان بیدار اندیشه‌ها دانسته است. مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۸۲) تحت عنوان: «عالم جاودان، شهید مرتضی مطهری» و آقای محمدتقی مصباح یزدی (۱۳۹۱) در کتاب «آفتاب مطهر»، به بررسی ویژگی‌های شخصیتی و خدمات استاد در حوزه معارف دینی پرداخته است. کریمی جشنی و نصر اصفهانی (۱۳۸۴)، در پژوهشی با عنوان «بررسی ویژگی‌های معلمی و روش تدریس استاد مطهری»، به‌طور تخصصی بر شیوه کلاس‌داری استاد تمرکز کرده‌اند. رمضان‌ی و همکاران (۱۳۹۸)، نیز در پژوهشی با عنوان: «بازشناسی الگوی معلم الهام‌بخش مبتنی بر احوالات سه معلم برجسته ایران معاصر، محمدحسین نائینی، محمدحسین طباطبایی و مرتضی مطهری»، شاخص‌های معلم الهام‌بخش را در چهار عنوان، با روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار داده‌اند. در همه این تحقیقات، ویژگی‌های شخصیتی و منش استاد به‌عنوان انسان متقی، خودساخته و پرورش‌یافته مکتب اسلامی، از وجوه مختلف مورد توجه و تحلیل گرفته است؛ اما تکیه بر

شاخص الگویی معلمی، به‌تنهایی مطمح نظر هیچ‌کدام از آثار نبوده است. در پژوهش حاضر شاخص‌های معلمی استاد مطهری در دو ساحت تدریس و تحقیق، بررسی می‌شود. هدف، ارائه شاخص‌های الگویی تربیت معلم تراز نظام تعلیم و تربیت اسلامی است؛ که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به‌عنوان مأموریت خاص دانشگاه فرهنگیان تعریف شده است.

۲. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع تحلیل محتوا است. برای انجام این پژوهش، منابعی که شامل برخی آثار قلمی استاد مطهری و یادنامه‌ها و مقالاتی که شامل نقل خاطرات خانواده، شاگردان و دوستان استاد بود، در سه بخش منش اخلاقی و معنوی، نکات برجسته آموزش و نکات مهم پژوهش، فیش‌برداری شده و در مرحله بعد، مطالب به‌دست آمده با محتواهای مشترک و نزدیک به هم، در یک عنوان قرار گرفتند و در نهایت، در جهت یافتن پاسخ سؤال اصلی تحقیق، یعنی مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی و حرفه‌ای تأثیرگذار استاد مطهری در مقام تدریس و تحقیق، تحلیل و بررسی محتوا انجام شد.

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. منش معنوی و اخلاقی استاد مطهری

در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، شخصیت معلم، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در رشد و تربیت متعلم است. به همین دلیل، در سند تحول آموزش و پرورش از معلم به‌عنوان مربی سخن گفته می‌شود (سند تحول آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). امام علی (ع) می‌فرماید: «کسی که خود را پیشوای مردم خواهد، باید که پیش از ادب کردن دیگران، به ادب کردن خود پردازد و دیگران باید به کردار باشد، و نه به گفتار؛ کسی که آموزگار و ادب‌کننده خویش است، سزاوارتر به تعظیم است از آنکه آموزگار و ادب‌کننده مردم است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۷۰). تأثیر کلام نفس تربیت‌شده در تغییر بینش‌ها و گرایش‌های متری، هیچ‌گاه قابل مقایسه با نفس غیرمذهب نیست. امام خمینی در پیام شهادت استاد مطهری فرمود: «مطهری در طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان، کم‌نظیر بود» (امام خمینی، ۱۳۵۸، ج ۷، ص ۱۷۸). طهارت روح و قوت ایمان، حاصل منش معنوی و اخلاقی استاد مطهری بود که مهم‌ترین وجوه آن عبارتند از:

۳-۱-۱. تعبد و تقید به شرع

کشد و از دل دوست دارد و با تن درآمیزد و خود را برای انجام آن فارغ سازد. او است که باک ندارد که در دنیا سختی کشد یا در رفاه باشد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۱۳۵). استاد مطهری عبادت را عامل تقویت حاکمیت اراده و ایجاد عشق و علاقه معنوی و ایمانی در انسان می‌شمارد و بخشی از تربیت کامل

و همه‌جانبه را بالفعل کردن حس پرستش می‌داند؛ که در اسلام با عبادتی چون نماز متحقق می‌شود (مطهری، ۱۳۶۷ ب، ص ۳۲۲). خانواده و شاگردان استاد، نقل کرده‌اند که ایشان در برابر احکام و دستورات شرع، کاملاً متعبد و اهل تهجد و نماز شب بود و بر آن مداومت داشت (انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، ص ۵۸، ۶۱، ۶۵؛ مهدوی‌کنی، ۱۳۷۶). ایشان پایبند و مقید به ذکر، نماز، دعا و توسل بود. قبل از خواب، مقید بود آیاتی از قرآن را با دقت و تدبّر بخواند. شب‌های جمعه علاوه بر قرآن، دعا هم می‌خواند (انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، ص ۶۱). مطهری با اینکه با روشنفکران زیادی تماس داشت و مکتب‌های غیراسلامی را دقیق مطالعه کرده بود و کتاب‌های مارکسیست‌ها، نظیر دکتر ارانی را کلمه‌به‌کلمه بارها از نظر گذرانده بود و فیلسوف و اهل تعقل بود؛ اما در مقابل احکام شرع، کاملاً متعبد بود (همان، ص ۶۵). یکی از شاگردان ایشان می‌گوید: «بعد از سن تکلیف، هیچ‌گاه نماز شب ایشان ترک نشده بود» (همان، ص ۶۱). بنابراین، وقتی در کتاب «تعلیم و تربیت در اسلام»، از علی (ع) و روح نیایش و تأثیر مناجات شعبانیه و دعای ابوحمزه سخن می‌گفت (مطهری، ۱۳۶۷ ب، ص ۳۳۴)، خود از آن لذات، بهره‌ها برده بود.

۳-۱-۲. تعلیم و تربیت به‌عنوان عملی عبادی، و نه وظیفه شغلی

یکی از تفاوت‌های اساسی نظام تعلیم و تربیت اسلامی با سایر نظام‌های غیردینی این است که عمل تعلیم و تعلّم، عمل مقدسی است و نیت، در ارزشمندی فعل مؤثر است. ارزش کار تعلیم، در این کلام پیامبر اکرم (ص) مشخص می‌شود: «ای علی، اگر خداوند متعال به‌وسیله تو، یک نفر را هدایت کند؛ برای تو از هر آنچه خورشید بر آن بتابد، بهتر است» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳۲، ص ۴۴۷). در نظام اخلاقی اسلام، مبدأ افعال اختیاری و عامل اصلی در تعیین ارزش اعمال، نیت فاعل است (مصباح یزدی، ۱۳۹۹، ص ۲۷۹). عمل نیکو باید با نیت الهی انجام شود تا به نتیجه مطلوب، یعنی هدایت درونی و تغییر بینش و رفتار در مرتبه‌ی بیانجامد و برای خود معلم هم، موجب رشد و کمال معنوی شود. روایت پیامبر اکرم (ص) که فرمود: «ای مردم، جز این نیست که اعمال به نیت‌ها است و در حقیقت، برای هرکس آن چیزی است که نیت می‌کند»^۱ (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۹۰). امام باقر (ع) می‌فرماید: «نیت مؤمن، برتر از عمل او است؛ چون گاه نیت کارهای خیر می‌کند، اما موفق به انجام آن نمی‌شود و نیت کافر، بدتر از اعمال او است؛ زیرا کافر، نیت بد در سر می‌پروراند و به انجام کارهای بد امید می‌بندد، ولیکن امکان به‌کار بستن آنها را نمی‌یابد»^۲ (گیلانی، ۱۴۰۰ ق، ص ۵۴). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «برتری درجات مؤمنین به

۱. «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى».

۲. «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِهِ؛ وَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ يَتَوَيَّ مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يُدْرِكُهُ، وَ نِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ؛ وَ ذَلِكَ لِأَنَّ الْكَافِرَ يَتَوَيَّ مِنَ الشَّرِّ مَا لَا يُدْرِكُهُ».

یکدیگر، به اخلاص است»^۱ (محمدری شهری، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۵۷). این سخنان، به‌خوبی جایگاه نیت و نقش آن در ارزشمندی عمل را نشان می‌دهد. امام خمینی، نیت را مقوم ذاتی و فصل محصل عمل می‌داند که صحت و فساد و کمال و نقص اعمال به آن است. با تغییر نیت، ارزش عمل و بالطبع تأثیرگذاری آن تغییر خواهد کرد (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص ۳۳۱). منظور از نیت خالص، در این روایت آمده است: «عمل خالص عملی است که انتظار نداشته باشی کسی جز خداوند، تو را برای آن ستایش کند»^۲ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۲۶). یکی از شاگردان استاد مطهری می‌گوید: «نخستین ویژگی آقای مطهری در مقام درس دادن، این بود که انسان وقتی پای درسش می‌نشست، احساس می‌کرد ایشان در حال انجام وظیفه دینی است» (انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، ص ۵۳). شهید مطهری، عمل تدریس را به‌عنوان عملی عبادی و برای کسب رضایت الهی انجام می‌داد (مه‌دوی‌کنی، ۱۳۷۶). شهید ثانی معتقد است: «ان لا یحضر مجلس الدرس الا متطهرا من الحدث و الخبث». یکی از امور مؤثر و قابل توجه، این است که معلم بدون داشتن طهارت و وضو، وارد کلاس درس نشده و مشغول تدریس نگردد» (شهید ثانی، ۱۳۵۹، ص ۱۰۸). شاگردان ایشان، اظهار کرده‌اند که استاد با وضو وارد کلاس درس می‌شد و خود این مسئله، جو و فضای معنوی خاصی ایجاد می‌کرد (انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، ص ۶۱).

۳-۱-۳. نظم و برنامه‌ریزی و استفاده دقیق از زمان

استاد مطهری سه برابر یک استاد دانشگاه، تدریس داشت. همسر ایشان می‌گوید: بعد از برگشتن استاد از دانشکده الهیات، که حدود ساعت دو بعدازظهر می‌شد، تازه کلاس‌ها و درس‌ها و بحث‌های ایشان شروع می‌شد و برای افراد مختلف، از دانش‌آموزان گرفته تا استادان دانشگاه، کلاس و مباحثه داشت و نزدیکی‌های ده شب به میان خانواده می‌آمد (همان، ص ۳۶). پنج‌شنبه و جمعه را هم به قم می‌رفت و سطوح عالی اسفار و شفا را تدریس می‌کرد. این تدریس در کنار مطالعه و تحقیق و پژوهش و تقیّد به انجام عبادات واجب و مستحب و رسیدگی به امور خانواده و فرزندان (همان، ص ۳۴)، قطعاً نیازمند برنامه‌ریزی دقیق بود. از نظر استاد مطهری نظم و برنامه‌ریزی، از چنان اهمیتی برخوردار بود که علی‌رغم انتقادی که نسبت به سقوط ارزش‌های اخلاقی در جوامع غربی داشت و در آثار مختلف به آن اشاره می‌کرد، درباره فضایل غربی‌ها می‌نویسد: «اروپایی‌ها ضرب‌المثل فضیلت نیستند. خود این کتاب و سایر آثار نویسنده‌اش همیشه از آنها انتقاد کرده است؛ ولی ضرب‌المثل صراحت و نظم هستند. ما هم نباید

۱. «بالإخلاص تنقاضُ مراتبُ المؤمنین».

۲. «العَمَلُ الْخَالِصُ: الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ».

به‌خاطر اینکه آنها را دشمن داریم، انکار کنیم» (مطهری، ۱۳۶۷ الف، ص ۳۲). یکی از شاگردان ایشان چنین می‌گوید: «استاد در تمام شئونات زندگی، فردی بسیار منظم و منضبط بود. اوقات ایشان، با برنامه برای کارهای مشخصی تنظیم شده بود. ساعاتی برای عبادت و ساعاتی برای استراحت و ساعاتی برای مطالعه، تنظیم شده بود» (انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، ص ۹۷).

۳-۲. خطوط اصلی منش دانشوری استاد مطهری

۳-۲-۱. عشق به آموختن و آموزش دادن

هوش و استعداد سرشار، همراه با عشق و تلاش برای آموختن و آموزش دادن، از ویژگی‌هایی است که اساتید و شاگردان استاد به آن اشاره کرده‌اند. دربارهٔ استعداد و هوش ایشان، شهادت علامه طباطبایی کافی است که می‌فرماید: «مرحوم مطهری یک هوش فوق‌العاده‌ای داشت و حرف از او ضایع نمی‌شد. بنده وقتی ایشان به درس می‌آمدند، حالت رقص پیدا می‌کردم از شوق و شغف به جهت اینکه انسان می‌داند که هرچه بگوید، هدر نمی‌رود و محفوظ است» (انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، ص ۳۱). هوش، نعمتی خدادادی است. آنچه این قوه را به فعلیت می‌رساند، تلاش و کوشش است. یکی از شاگردان استاد، یک یا دو سال قبل از شهادت ایشان، نقل می‌کند که فرمود: «من امروز بیشتر از گذشته در خودم آمادگی برای آموختن احساس می‌کنم. من امروز دلم می‌خواهد که دائماً مطالعه کنم و بیاموزم و تدریس کنم و بیاموزانم» (انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، ص ۱۷۰). شاید نتوان گفت شهید مطهری دقیقاً از چه زمانی تدریس را آغاز کرده است؛ زیرا در حوزه‌های سنتی، وقتی طلبه کتابی را کامل در نزد استاد می‌خواند؛ همان کتاب را به طلبه‌های پایین‌تر تدریس می‌کرد که باعث می‌شد علاوه بر تعلیم دیگری، مطلب برای خودش هم واضح و تثبیت شود. او، طلبگی را از پانزده یا شانزده سالگی شروع کرد (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۹) و با همین سنت درس خواند. با اطمینان می‌توان گفت، شهید مطهری تا لحظهٔ آخر عمرش در هرجا که لازم بود (منزل، دانشگاه، حوزه و انجمن‌های علمی) تدریس داشت. حتی در بحبوهٔ انقلاب که ایشان از طرف امام خمینی رئیس شورای انقلاب بود و بعد از بیست و دوم بهمن ۵۷ که انقلاب پیروز شد و کارهای فراوانی باید انجام می‌شد، استاد مطهری کلاس درس خانواده را ترک نکرد. از اظهارات همسر ایشان است که قرآن و عربی را از استاد آموخته است: «همین اواخر، ایشان یک کلاس (عربی) برای ما در منزل گذاشته بودند که من و دخترها و یکی از دامادها و پسرها، جامع‌المقدمات می‌خواندیم» (انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، ص ۳۴).

۳-۲-۲. احاطه و تسلط علمی

یکی از رموز مهم موفقیت در حرفهٔ معلمی، تسلط علمی است. اگر فراگیر، احساس کند معلم توانایی

علمی ندارد؛ جذب شخصیت او نمی‌شود و در این صورت، کار تعلیم و تربیت سخت خواهد شد. استاد مطهری، با اینکه در حوزه و دانشگاه در شاخه‌های مختلف اعم از فلسفه، کلام، تفسیر قرآن، اخلاق و... تدریس می‌کرد؛ همه‌جا قوی ظاهر می‌شد و همین قوت علمی، جاذبه فوق‌العاده‌ای به کلاس‌های ایشان داده بود. اگر مطلبی برای خودش کاملاً هضم نشده بود، مطرح نمی‌کرد. ایشان قبل از هر کلاس، کاملاً مطالعه می‌کرد و اگر زمانی، فرصت مطالعه پیدا نمی‌کرد؛ صریح می‌گفت: من نرسیدم و جلسه بعد کلاس برگزار می‌شود (انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، ص ۱۱۲). اگر استاد مطهری قصد مطرح کردن درسی را داشت؛ کتاب‌های جدید را مطالعه می‌کرد. ایشان به مجلات مختلف، رجوع می‌کرد و به اندیشه معاصر توجه داشت و همین، دلیل نو بودن جلسه درسشان بود (همان، ص ۹۸). بخش‌هایی از کتاب «نظام حقوق زن»، پاسخ به شبهات مطرح شده در مجله «زن روز» است (مطهری، ۱۳۵۹، ص ۲۱). ایشان هیچ‌گاه به دانسته‌های سطحی بسنده نمی‌کرد؛ قوت بیان ایشان ناشی از عمق فهم علمی بود. برخی شاگردان، تعبیر کرده‌اند که مطلب مثل موم در دستشان بود و مخاطب، این نکته را متوجه می‌شد. می‌توان گفت یکی از رموز قوت بیان، تسلط بر عمق مطلب است. در نهج البلاغه، امام علی (ع) به «جعه بن هبیره» می‌گوید شما خطبه را بخوانید. آن فرد عذر می‌آورد که من قدرت بیان شما را ندارم و امام می‌فرماید: «زبان، پاره‌ای از انسان است. اگر آدمی را یارای سخن گفتن نباشد؛ زبان، او را سخن‌گو نکند و سخن به زبان درنگ ندهد؛ اگر آدمی به سخن گفتن توانا باشد»^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴).

۳-۲-۳. استفاده از طرح درس و روش تدریس

اگر بپذیریم که علاقه‌مندسازی مخاطب به درس نیز، جزء وظایف معلم است؛ در این صورت، معلم باید قبل از بیان اصل درس، سعی کند شوق مخاطب را برای توجه بیشتر برانگیزاند. یکی از مهم‌ترین راه‌های این مسئله، بیان کاربردها و فوائد و ضرورت‌های فراگیری درس و ارتباط مسائل قبلی به مسئله مورد بحث است. جزیره‌ای ارائه کردن سرفصل‌های یک درس، دانشجویان را ملول و گاهی سرخورده می‌کند. استاد مطهری، به شهادت شاگردانش، معمولاً مقدمه تاریخی بحث را بیان می‌کرد و ریشه مطلب را توضیح می‌داد؛ که تصور نشود بحث بدون سابقه است. این مقدمه‌چینی، موجب جلب توجه مخاطب می‌شد و زمینه فهم بهتر را برایش فراهم می‌کرد. ایشان، معمولاً خلاصه‌ای از مطالب جلسه قبل را تکرار می‌کردند (انتشارات مدرسه ۱۳۷۰، ص ۶۸). داشتن طرح درس، یکی دیگر از ویژگی‌های کلاس ایشان بود. یکی از شاگردان می‌گوید: «استاد با توانایی بالای علمی، اصول یک مطلب را از فروع آن جدا می‌کرد

۱. «إِنَّ اللِّسَانَ بَضْعَةٌ مِنَ الْإِنْسَانِ، فَلَا يَسْعِدُهُ الْقَوْلُ إِذَا اُمْتَنَعَ، وَلَا يُمِهِّلُهُ النَّطْقُ إِذَا اتَّسَعَ».

و اول، قسمت‌های اصلی را کامل تبیین می‌کرد و اجازه می‌داد فراگیر، خودش به برخی فروع آگاهی یابد» (همان، ص ۹۶). معمولاً قبل از ورود به اصل درس، مقدمات را به‌خوبی توضیح می‌داد و سعی می‌کرد چیزهایی که موجب درهم‌آمیختگی فکری و اشتباه در مطلب می‌شود را نخست تبیین کند تا در هنگام درس، استدلال کاملاً فهم شود (همان، ص ۶۸).

استاد مطهری، آموزش‌دیده حوزه علمیه بود. در حوزه، شیوه تدریس معمولاً بر محور کتابی است که استاد تقریر می‌کند و طلاب، یادداشت‌هایی را تهیه می‌کنند. البته، بحث و گفت‌وگو پیرامون مطالب جلسه درس، تحت عنوان مباحثه نیز، بخشی از شیوه آموزش حوزوی تلقی می‌شود. همه مخاطبان استاد، طلاب دینی نبودند؛ بلکه دانشجویان و اساتید دانشگاه و برخی شنوندگان آزاد نیز در کلاس شرکت می‌کردند و کاملاً جذب کلام استاد می‌شدند. این مطلب نشان می‌دهد که تقریر مطلب برای دانشگاهیان، که در کلاس‌های دانشگاه با شیوه‌های تدریس کلاسیک تعلیم می‌دیدند نیز کاملاً قابل استفاده بوده است. در خاطرات یکی از شاگردان دانشگاهی استاد نقل شده است که: وقتی اولین بار در مدرسه مروی، قصد شرکت در کلاس فلسفه استاد مطهری را داشتم، نگران بودم که آیا چیزی از مطلب را می‌توانم بفهمم؟ ولی وقتی بیان منظم و ریاضی‌وار استاد را دیدم، متوجه شدم سبک ارائه با سبک ارائه کلاسیک دانشگاهی که من آشنا بودم، کاملاً همخوانی دارد و از این مطلب، بسیار تعجب کردم (انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، ص ۴۳).

۳-۲-۴. حق‌مداری و انصاف در بحث

سقراط، هدف تربیت را ایجاد عشق به حقیقت در مرتب‌ی می‌داند (کریمی، ۱۳۷۳، ص ۱۹). حق‌مداری یعنی انسان از نظر روحی، آمادگی این را داشته باشد که از عقاید و باورهایی که به طور قطعی پذیرفته و احتمال خطا در آنها نمی‌دهد، در صورتی که مشخص شود حق و درست نبوده، دست بکشد. تعصب و خشک‌مغزی که نتیجه ناپختگی فکری است؛ اگر با امر مقدسی چون دین آمیخته شود، به تعبیر استاد، سبعیت و حشاک و خطرناکی را به‌وجود می‌آورد که نتیجه آن، بی‌رحمانه‌ترین جنگ‌ها و کشتارها در طول تاریخ بوده است (مطهری، ۱۳۶۷ الف، ص ۶۶). جمود و تعصب خشک، بزرگ‌ترین مانع پذیرش حق و رشد و کمال انسان است. قرآن می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر، ۱۷). شاگردان استاد مطهری، این مسئله را به‌عنوان ویژگی بارز منش علمی استاد ذکر می‌کنند؛ که در مقام بحث علمی، کاملاً بر محور حق‌مداری حرکت می‌کرد و در جایی که می‌خواست سخن غلطی را نقد کند، اول مسئله را به‌درستی تبیین و وجوه حق و باطل را از یکدیگر جدا می‌کرد و بعد، عقاید مختلف را درباره مسئله مطرح کرده و در نهایت، نظر خود را می‌گفت. هیچ‌گاه در بحث علمی، توهین، تحقیر و خروج از مرز ادب نداشت. او در حق مخالفین نیز انصاف را

رعایت می‌کرد و نکات مثبت نوشته‌هایشان را ذکر می‌کرد. دربارهٔ دکتر ارانی که به اعتراف پیروان ماتریالیسم دیالکتیک، از بهترین دانشمندان این مکتب است، می‌نویسد: «دکتر ارانی در اثر آشنایی به زبان و ادبیات فارسی و آشنایی فی‌الجمله به زبان عربی، ماتریالیسم دیالکتیک را سر و صورتی بهتر از آنچه مارکس، انگلس و لنین و غیره داده بودند، داده است و از این جهت، کتاب‌های فلسفی وی بر کتاب‌های فلسفی پیشینیانش برتری دارد» (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱) یکی از شاگردان ایشان می‌گوید: «استاد مطهری اگر در بحث متوجه می‌شدند که کسی نظر درستی دارد و برخلاف نظر ایشان است، آن را می‌پذیرفت؛ در نقطهٔ مقابل، اگر مطلبی را درست نمی‌دانست، تسلیم نمی‌شد» (انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، ص ۷۱). شاگرد دیگری می‌گوید: «اگر اتفاق می‌افتاد که در نکته‌ای اشتباه کند و فی‌المثل شاگردی اشتباه را یادآور می‌شد، می‌پذیرفت. هیچ‌گاه سراغ ندارم که ایشان در اشتباه پافشاری کنند و اصولاً در برابر حق، خاضع بودند و آنچه را حق می‌یافت، می‌پذیرفت و در مقام بحث علمی تعصب نداشت» (همان، ص ۶۵).

۳-۲-۵. حسن خلق، نرمش کلام و رعایت احترام

شاگردان استاد مطهری ذکر کرده‌اند که با استاد، احساس رابطهٔ دوستی و رفاقت داشتند. برخورد ایشان با شاگردان، بسیار متین و توأم با مهربانی بود. از هر حیث، مؤدب به ادب علمی بودند و برای فضای بحث و درس و همچنین شاگردان، احترام خاصی قائل بود. هیچ‌گاه در درس، برخورد خشونت‌آمیز نداشت. برای رفع مشکل، سعی می‌کرد بیان خود را محکم کند (انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، ص ۶۸). بسیار خوش‌رو بود و با شاگردان، رابطهٔ پدرا نه داشت و معمولاً وقتی رابطهٔ شاگردی ادامه پیدا می‌کرد، به دوستی بدل می‌شد (همان، ص ۹۵). برخی شاگردان، تصریح کرده‌اند که استاد، دعوت آنها را برای رفتن به منزل یا حتی عروسی می‌پذیرفت. این رابطه، هیچ‌گاه موجب شکسته شدن حریم معلم و شاگردی هم نمی‌شد؛ زیرا رفتار موقرانه، عامل حفظ حرمت‌ها بود (همان، ص ۵۵).

اجتناب از هرگونه کلام غیرمحترمانه و عتاب‌آمیز، لازمهٔ موفقیت در تدریس است. ممکن است در کلاس، دانشجو از مرز ادب هم خارج شود؛ باز توصیهٔ امام علی (ع) این است که: «با کسی که با تو درشتی می‌کند، نرمش کن که در این صورت، نزدیک است که او را به نرمش در مقابل خود واداری» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۰۲). یکی از شاگردان استاد نقل می‌کند که بعد از بحث مفصل، در ضمن بحث به استاد می‌گوید: انصاف بدهید! ایشان با تغافل، بحث را ادامه می‌دهد و در نهایت، در ضمن نتیجه‌گیری می‌گوید: «من انصافم از شما بیشتر است» و این تنها پاسخی است که در مدت ۱۲ سال شاگردی، از ایشان شنیده است (انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، ص ۶۸). خوب گوش کردن به سخن شاگرد، یکی از مهم‌ترین مهارت‌های معلمین موفق است. امام علی (ع) می‌فرماید: «من احسن الاستماع تعجل الانتفاع»

(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۶۰): یعنی «کسی که خوب گوش می‌کند، زودتر به منفعت و سود می‌رسد». به شهادت شاگردان: «استاد هیچ‌وقت شاگردش را تحقیر نکرد. حرفش را می‌شنید و به او اجازه عقده‌گشایی می‌داد. اگر وقت نبود، بعد از درس می‌نشست و گوش می‌کرد. حرف را می‌شنید و جواب آن را می‌داد» (انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، ص ۵۵).

۳-۲-۶. بیان ساده و روشن

امام سجاد(ع) می‌فرماید: «از جمله حقوق نصیحت‌خواه آن است که با کلامی با وی سخن بگویی که عقل او طاقت و توان آن را داشته باشد؛ زیرا هر عقلی، دارای قدرت و درجه‌ای از فهم کلام است» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۳). متأسفانه، برخی معلمین و نویسندگان، اظهار فضل علمی را در استفاده از الفاظ و عبارات مشکل و سخت‌فهم می‌دانند. هنر بارز معلمی استاد مطهری، این بود که می‌توانست سخت‌ترین مباحث علمی را با بیانی ساده و با استفاده از مثال، برای شنوندگان قابل فهم کند. این نکته، در خاطرات شاگردان تصریح شده است. یکی از ایشان چنین می‌گوید: «یکی از خصوصیات ایشان توانایی‌شان در ساده‌نویسی و ساده‌گویی بود، ایشان به دلیل ذوق و استعداد شخصی و نیز به دلیل خراسانی بودن، به ادب فارسی تسلط و علاقه داشت و می‌توانست در هر سطحی صحبت کند. در تفهیم مطالب، از مثال زیاد استفاده می‌کرد و مثال‌های بسیار مناسبی هم انتخاب می‌کرد» (انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، ص ۹۷). آیت‌الله مهدوی نقل می‌کند که استاد مطهری به ایشان گفته است: من، تا مطلبی کامل برای خودم هضم نشود، تدریس نمی‌کنم (مهدوی‌کنی، ۱۳۷۶).

۳-۲-۷. مدیریت ذهن و کلاس درس

استاد مطهری در دانشکده الهیات، علوم اسلامی را در حد دانشجویان کارشناسی تدریس می‌کرد و در حوزه علمیه نیز، کتب اصلی فلسفی، چون اسفار و شفا بوعلی را به طلابی که سطوح مقدماتی را طی کرده بودند، تدریس می‌کرد؛ اما هر دو کلاس، به غایت مفید و سودمند بود. به این دلیل که استاد می‌توانست بنا به نیاز و سطح علمی مخاطبان، مطالب خود را تنظیم کند. به تعبیر بهتر، استاد، مدیریت ذهن داشت و این ویژگی باعث شده بود که اجازه ندهد سطوح مختلف یک بحث، درهم آمیخته شود. در خاطرات شاگردان ایشان آمده است: «استاد هیچ‌گاه از موضوع، خارج نمی‌شد و اگر گاهی به موضوع دیگری استناد می‌کرد، این استناد به‌جا و به‌مورد بود. ایشان به فراگیران هم اجازه نمی‌دادند که با سؤالات متفرقه، مسیر بحث را تغییر دهند یا مطلب را ناتمام کنند» (مطهری، ۱۳۶۷ الف، ص ۹۷). معلمی که مدیریت ذهن ندارد، با پراکنده‌گویی موجب سردرگمی متعلمین می‌شود و سوء مدیریت کلاس هم، باعث به‌هم ریختن نظم کلاس و بیهوده تلف شدن بخشی از وقت و سرخوردگی برخی از متعلمین می‌شود.

۳-۳. منش پژوهشی استاد مطهری

حیات و رشد علم، وابسته به پژوهش است. بدون پژوهش و تحقیق، مرگ علم اتفاق خواهد افتاد. استاد مطهری، پژوهشگری موفق در حوزه علوم و معارف دینی بود و آثار قلمی ایشان، گواه بر این سخن است. در نگاه ابتدایی، به نظر می‌رسد که آموزش و پژوهش دو مقوله مستقل هستند و ممکن است کسی بتواند در آموزشگری موفق باشد، اما پژوهشگر نباشد؛ با این استدلال که ابزار آموزشگری، قدرت بیان و ابزار پژوهشگری، قدرت نگارش است. اما با کمی دقت، نادرستی این سخن آشکار می‌شود؛ زیرا ماده آموزش، حاصل پژوهش است. ممکن است کسی بیان خوبی داشته باشد، ولی قلم توانایی نداشته باشد؛ زیرا اینها دو مهارت مستقل هستند، اما تجربه نشان داده که آموزشگر موفق، حتماً پژوهشگر خوبی است و لازمه پژوهشگری این نیست که قدرت قلمی بالایی هم داشته باشد. نویسندگی مهارتی است که نیازمند تمرین و ممارست است؛ اما پژوهشگری یک صفت روحی است که ریشه در گرایش فطری حقیقت‌جویی انسان دارد (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۷۴). معلم موفق، باید اهل بررسی و تحقیق و تعمق علمی باشد و نه لزوماً نویسنده، بخش مهمی از شادابی و جاذبه کلاس در گرو ارائه مطالب جدید است که لازمه آن، برخورداری از روحیه پژوهشگری و پویایی معلم است. آموزشگری که محتوای تکراری تدریس می‌کند، بالطبع در نفس خودش تکرار ملال‌آور و عدم لذت ایجاد می‌شود و با این وصف، مسلماً قدرت جذب فراگیر و شکوفایی لذت آموختن و پرورش استعدادهای درونی افراد را نخواهد داشت. حیات روحی انسان، به کسب علم است. گرایش به علم و حقیقت، یک گرایش فطری است و اگر انسان لذت کسب علم را چشیده باشد، نمی‌تواند از آن چشم‌پوشد و داستان‌های زیادی در برتری این لذت بر سایر لذت‌های جسمانی در تحقیقات آمده است (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۷۵). امام حسن (ع) می‌فرماید: «به دیگران، علم خود را بیاموز و علوم دیگران را نیز فراگیر تا علم خود را محکم کرده باشی و با آنچه نمی‌دانستی آگاه شوی» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص ۱۱۱). معلمی می‌تواند کلاس جاذب و لذت‌بخشی داشته باشد که بتواند مطالب جدید و نو را مطابق نیاز فراگیر در کلاس ارائه کند و لازمه چنین توانایی، داشتن مطالعه دائمی و استفاده از ابزار تحقیق و پژوهش است. شاگردان استاد مطهری ذکر کرده‌اند که طلابی که محل اقامت آنها با مدرسه مروی بسیار فاصله داشت نیز، رنج راه را بر خود هموار می‌کردند تا در محضر استاد حاضر شوند (سید ناصری و ستوده، ۱۳۷۷، ص ۲۴۴) و در کلاس، آنچنان محو شخصیت استاد بودند که بعضاً با اینکه هوا سرد بود و وسایل گرمایشی هم وجود نداشت، احساس سرما نمی‌کردند (همان، ص ۲۴۶). در ادامه به برخی از شاخص‌های منش پژوهشی استاد اشاره می‌شود.

۳-۱. استاد مطهری محقق مدقق

یکی از آفات پژوهش، شتاب‌زدگی و تعجیل است که موجب می‌شود پژوهش، سطحی و غیردقیق باشد. از ویژگی‌های استاد مطهری این بود که مطالب علمی را کاملاً مورد تحلیل عمیق قرار می‌داد؛ تا جایی که خود بتواند درباره آنها قضاوت کند و صرفاً به ذکر چند نقل قول بسنده نمی‌کرد. علامه طباطبایی از این مطلب، تحت عنوان اینکه او خودش صاحب‌نظر شده بود؛ یعنی چیز می‌فهمید و حکم می‌کرد، تعبیر کرده است (انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، ص ۳۱). استاد مطهری علاوه بر وسعت معلومات، سخت‌موشکاف و تحلیل‌گر بود. همین نکته باعث شده بود که بگوید: «من از ابتدای جوانی تا حال، حتی یک سطر هم ننوشته‌ام که بعداً بینم غلط بوده است! بحمدالله هرچه نوشته‌ام و اندیشیده‌ام، از همان روزهای اول تا حالا (سال انقلاب)، هنوز بر همان عقیده‌ام. گاه به نوشته‌های سی سال پیش خود نگاه می‌کنم، البته تکامل برایم پیدا شده؛ یعنی یک نظر داشته‌ام به اجمال، اکنون تفصیل داده‌ام یا به دلایل دیگری رسیده‌ام؛ اما اینکه چیزی گفته یا نوشته باشم که اکنون به آن معتقد نباشم و به چیز دیگری معتقد باشم، چنین نیست» (انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، ص ۱۷۱). اگر سؤالی ذهن ایشان را درگیر می‌کرد، پیرامون آن مطالعه نموده و مطالب را یادداشت می‌کرد و ممکن بود محتوای فیشی که امروز تهیه می‌شود، بیست سال بعد در متن یک پژوهش قرار گیرد. یکی از یاران استاد می‌نویسد: «مطهری قلم بر روی کاغذ نمی‌برد، مگر اینکه هدفش تحقیق درباره مسئله‌ای بود و تا به‌طور دلخواه، آن مسئله با دلیل و برهان برای خودش روشن نشده بود، آن را عرضه نمی‌کرد. در نوشتن و در نشر هرچه به نظرش می‌رسید، عجله به خرج نمی‌داد و مطلب خامی را تحویل دیگران نمی‌داد» (سروش، ۱۳۶۰، ص ۳۷۷). به تعبیر خودش، تا چیزی برایش کاملاً هضم نمی‌شد و از وجوه مختلف بررسی نمی‌شد، مکتوب نمی‌گردید (مهدوی‌کنی، ۱۳۷۶).

خود ایشان می‌نویسد: اینجانب درست به یاد ندارم که از چه وقت با مسئله انحطاط دینی آشنا شده است؟ و از چه زمانی شخصاً به بحث و تحقیق در این مسئله علاقه‌مند گردیده و درباره آن فکر می‌کرده است؛ ولی می‌تواند به‌طور یقین ادعا کند که متجاوز از بیست سال است که این مسئله نظر او را جلب کرده و کم‌وبیش در اطراف آن فکر می‌کرده و نوشته‌های دیگران را در این زمینه می‌خوانده است. از آن زمان تاکنون، هروقت به گفته یا نوشته‌ای در این موضوع برمی‌خوردم، با علاقه می‌خواندم و یا گوش می‌کردم و خیلی مایل بودم رأی و نظر گوینده یا نویسنده را دریابم (مطهری، بی‌تا/ب، ص ۳). علامه مجلسی از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمود: «علم را در زنجیر کنید و در پاسخ به این سؤال که در زنجیر کردن علم چگونه است، فرمودند: آن را بنویسید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۵۱). از مهم‌ترین ابزار پژوهش، استفاده از یادداشت است. بعد از شهادت استاد، سی‌هزار فیش و دست‌نوشته تحقیقی در موضوعات

مختلف از ایشان به جای ماند. شاگرد استاد مطهری می‌گوید: ایشان اول از دفترهایی استفاده می‌کرد که به بخش‌ها و موضوعات مختلفی تقسیم شده بود، مثلاً امام حسین (ع)، قرآن، حضرت رسول (ص)، حافظ، اقتصاد و... . بعضاً از نوشته‌های ایشان مشخص می‌شود که بعضی تحقیقات مربوط به سی سال قبل است؛ ولی بعدها که فیش‌های جدید برای انجام تحقیقات ارائه شد، استاد هم از برگه‌های فیش‌برداری استفاده می‌کرد (انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، ص ۱۰۴-۱۰۵).

۳-۲. مسئله محور و جهت‌دار بودن پژوهش

با مراجعه به آثار استاد مطهری می‌توان گفت موضوعات مورد پژوهش ایشان، بسیار متفاوت است و بر محور یک موضوع خاص نیست. به عبارت دیگر، وحدت موضوعی ندارد؛ فلسفه، کلام، تفسیر، اخلاق، تعلیم و تربیت، حقوق زن، اقتصاد و... . آنچه همه این موضوعات را به وحدت می‌رساند، پاسخگویی به یک نیاز و رفع یک سؤال یا مشکل فکری از جامعه مسلمان است. مطهری جز با این هدف نوشت و سیر ماندگاری آثار ایشان هم در همین نکته است. امروزه افراد زیادی مشغول تحقیق و پژوهش هستند و مراکز پژوهشی در همه سطوح آموزش عالی فعال است. در هر دانشکده‌ای معاونت پژوهش تعریف شده و در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، شرط فراغت از تحصیل انجام کار پژوهشی است. در حوزه‌های علمی هم، در سطح سه و چهار چنین است. اما متأسفانه پژوهش‌های جهت‌دار در رفع مشکلات موجود و حل یک مسئله جامعه اسلامی، بسیار کم است. مقالات علمی و پژوهشی، اسباب ترفیع و ارتقاء است و به همین دلیل، بازار انواع تقلب‌ها و بی‌اخلاقی‌ها هم داغ است. پژوهش باید از یک نیاز و شوق درونی برخیزد و بر مدار تلاش در جهت رفع مشکلی و پاسخ به سؤالی، سامان بگیرد؛ تا ارزشمند و تأثیرگذار باشد. پژوهش‌های استاد مطهری چنین بود. جزء اولین کارهای تحقیقی استاد، پاورقی بر کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» علامه طباطبایی است؛ که به اعتقاد برخی، نوشته‌های مطهری به ارزش کتاب علامه افزود و خود علامه فرمود: «ما می‌خواستیم مجملات (اصول فلسفه) باز شود و مطلب روشن شود و کسی که این معنا را بتواند به عهده بگیرد، مرحوم مطهری بود. شروع کرد و به بهترین وجهی هم از عهده برآمد» (انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، ص ۳۱). این اثر، در سال ۱۳۳۴ یعنی در سی و پنج سالگی استاد نوشته شد؛ اما ایشان، داستان راستان را در سال ۱۳۳۹ می‌نویسد و در ابتدای کتاب ذکر می‌کند، به دلیل نبود کتاب اخلاقی - تربیتی در قالب داستان، وقتی در هیئت تحریریه شرکت انتشار، این پیشنهاد مطرح شد؛ با افتخار پذیرفت این وظیفه را انجام دهد و می‌نویسد: «در مدتی که مشغول نگارش یا چاپ این داستان‌ها بودم، بعضی از دوستان ضمن تحسین و اعتراف به سودمندی کتاب، از اینکه من کارهای به اعتقاد آنان مهم‌تر را موقتاً کنار گذاشته و به این کار پرداخته‌ام، اظهار تأسف می‌کردند و

ملامت می نمودند؛ که چرا چندین تألیف مهم علمی را در رشته های مختلف کنار گذاشته ام و به چنین کار ساده ای پرداخته ام. حتی پیشنهاد کردند که به نام خودت منتشر نکن. گفتم: چرا؟ گفتند: اثری که به نام تو منتشر می شود، باید لااقل در ردیف همان اصول فلسفه باشد. این کار برای تو کوچک است. معلوم می شود ملاک کوچکی و بزرگی کار، از نظر این آقایان مشکلی و سادگی آن است. این یک بیماری است... هر مدعی فضلّی، حاضر است ده سال یا بیشتر وقت صرف کند و یک رطب و یابسی به هم بیافد و به عنوان یک اثر علمی کتابی تألیف کند و با افتخار نام خود را پشت کتاب بنویسد، بدون آنکه یک ذره به حال اجتماع مفید فایده باشد؛ اما از تألیف یک کتاب مفید، فقط به جرم اینکه ساده بوده و کسر شأن است، خودداری کند» (مطهری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۳).

۳-۳-۳. حریت قلم و دوری از تعصب کور

در باره مخالفت های ارسطو با استادش افلاطون، آمده است که او گفت: من افلاطون را دوست دارم، اما به حقیقت، بیش از افلاطون علاقه دارم (فروغی، ۱۳۸۸، ص ۳۸). یکی از ویژگی های قلم استاد، حریت و آزادگی در زمینه ارائه مسائل علمی و اجتماعی بود. استاد مطهری هرگز علوم را به شرقی و غربی تقسیم نکرد و مطلبی را تنها به این دلیل که از فلان عالم یا فلان دیار است و نویسنده، فلان مشخصات را دارد، باطل ندانست. بلکه با مطلب علمی، برخورد علمی می کرد. در کتاب «مسئله حجاب»، برای سند روایت «رهبانیه امتی الجهاد» علاوه بر کتب «کافی» و «وسائل الشیعه» به کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» و «جامع ترمذی» هم استناد کرد. ناقد کتاب «حجاب»، در اشکال به استاد می نویسد: باوجود کتب شیعه، نیازی به مراجعه به کتب اهل سنت نیست. استاد مطهری در پاسخ می نویسد: «کسانی که در مکتب آیت الله بروجردی پرورش یافته اند، می دانند که مراجعه به کتب اهل سنت برای فهم و درک و تأیید مثبت یا منفی احادیث ما، فوق العاده مفید، بلکه لازم است» (مطهری، ۱۳۶۷، الف، ص ۱۴). در مقدمه کتاب «داستان راستان»، برای بیان جامعیت کار نوشته اند: داستان هایی از علما و سایر شخصیت ها آورده شده که سودمند و آموزنده است. در این قسمت نیز اعمال جمود و تعصب نشده و تنها به رجال شیعه اختصاص نیافته است. احیاناً داستان هایی از سایر شخصیت های اسلامی یا داستان هایی از شخصیت های برجسته غیرمسلمان آورده شده است (مطهری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۴).

استاد مطهری احترام خاصی برای اظهارنظرهای علمی قائل بود، هرچند آن نظریه ها را غلط هم می دانست. به همین دلیل، آثار فلاسفه غربی و متفکران حوزه جامعه شناسی و روان شناسی غرب را مطالعه می کرد و همین امر، یکی از دلایل استحکام آراء و اقیان آثار قلمی وی شمرده می شود. ایشان حقیقت را از هر مصلحتی بالاتر می دانست. نمونه حق محوری او را در نگاشتن کتاب «مسئله حجاب» می توان دید. با

اینکه اکثر علما و فقهاء در کتب فقهی وجه و کفین را مستثنی از حکم پوشش می‌دانستند؛ اما ارائه آشکار استثناء را، به مصلحت نمی‌دانستند. استاد، این برهان را برای عدم ارائه نظر واقعی دین قابل دفاع نمی‌دانست. بنابراین، مطلب را کاملاً آزادانه ارائه کرد وعده‌ای به شدت با ایشان مخالفت کردند. در کتاب «پاسخ به شبهات»، استاد پیرامون کتاب مسئله حجاب در پاسخ به برخی اشکالات چنین نوشت: آنچه مخالف با محتوای این کتاب است، سیره جاریه مسلمین برخی از نقاط در عصرهای اخیر بوده که برخلاف سیره قطعی سلف است. نوع دیگر از نوع مصلحت‌اندیشی است که کتمان، اصلح از اظهار است و چنین مصلحت‌اندیشی‌ها را فقط افرادی می‌کنند که از جریان اجتماع بی‌خبرند و شعاع دیدشان، چه از نظر زمان و چه از نظر مکان، محدود است (مطهری، ۱۳۶۷ الف، ص ۷۳). بعد از پیروزی انقلاب، مشخص شد که استاد درست تشخیص داده بود. تحریف‌های عاشورا و روشن‌سازی تحریفات لفظی و معنوی در بیان حقایق عاشورا، نشان دیگری از آزادی و حریت قلم استاد دارد؛ که شاید بسیاری دیگر از محققان، از نادرستی مطالب عنوان شده در مجالس روضه مطلع بودند، ولی بنا به مصالحی ترجیح دادند که مطرح نکنند. استاد در مقابله با عقاید انحرافی و التقاطی گروه‌ها و جریانات سیاسی هم، از این شهادت و آزادی برخوردار بودند. در مقدمه کتاب «علل گرایش به مادی‌گری»، انحرافات گروه‌های فرقان و التقاط برخی افکار مارکسیستی در مجامع دانشجویی را تبیین و تشریح کرد؛ باوجود اینکه برخی معتقد بودند، به دلیل اهمیت مبارزه، نباید به این مسائل اختلافی پرداخته شود. اما او معتقد بود خطر منافقین (مجاهدین خلق)، به دلیل التقاط عقاید، از خطر کفر بیشتر است و بعدها صحت تشخیص ایشان مشخص شد.

۳-۴. ساده و روان‌نویسی همراه با استحکام علمی

استاد مطهری، فلسفه تدریس می‌کرد و مسیر طلبگی را برای پاسخ به سؤالات فلسفی، برگزیده بود و فهم قواعد و مسائل فلسفی را غنیمت عمر خود می‌شمرد. علامه طباطبایی ایشان را در فلسفه صاحب‌نظر می‌دانست. با تدریس اسفار، که سطح عالی فلسفه است برهمگان مشهود است که سطح عالی درجات فلسفه را طی کرده است. مدرسان علوم عقلی می‌دانند که فهم درست مسائل فلسفی، سخت بوده و بیان آنها سخت‌تر است. مهم‌ترین ویژگی قلمی استاد مطهری روان‌نویسی مسائل مشکل فلسفی است. امام خمینی در توصیف آثار ایشان می‌گوید: «او با قلمی روان و فکری توانا در تحلیل مسائل اسلامی و توضیح حقایق فلسفی با زبان مردم و بی‌قلق و اضطراب به تعلیم و تربیت جامعه پرداخت» (امام خمینی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۳۲۴). روان‌نویسی استاد، مانع از تأمل برانگیزی و به فکر برانگیختن خواننده نیست؛ یعنی روانی قلم، مطلب را از عمق معنا تهی نکرده است. ایشان در مقدمه کتاب «داستان راستان» می‌گوید:

کتاب و نوشته باید، هم زحمت فکر کردن را از دوش خواننده بردارد و هم او را وادار به تفکر کند و قوه فکری او را برانگیزد. آن فکری که باید از دوش خواننده برداشته شود، فکر در معنی جملات و عبارات است ... اما آن فکری که باید به عهده خواننده گذاشته شود، فکر در نتیجه است. هر چیزی، تا خود خواننده درباره آن فکر نکند و از فکر خود چیزی به آن نیفزاید، با روحش آمیخته نمی‌گردد و در دلش نفوذ نمی‌کند و در عملش اثر نمی‌بخشد. البته آن فکری که خواننده می‌تواند از خودش بر مطلب بیفزاید، همانا نتیجه‌ای است که می‌توان به‌طور طبیعی از مقدمات گرفت (مطهری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۳).

۴. نتیجه‌گیری

یکی از ارکان اساسی سند تحول آموزش و پرورش توجه به ویژگی‌های معلم تراز مکتب اسلام است. معلمی که به دلیل شخصیت تأثیرگذارش، مربی و هدایتگر دانش‌آموزان معرفی می‌شود. دانشگاه فرهنگیان که به فرموده مقام معظم رهبری، مرکز ثقل آموزش و پرورش است؛ مأموریت تربیت معلم تراز سند تحول را به عهده دارد. بررسی ویژگی‌های شخصیتی و سیره عملی، آموزشی و پژوهشی استاد مطهری می‌تواند در جهت تحقق هدف تربیت معلم تراز، که از مطالبات سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است، یاری رساند. در این پژوهش با همین هدف، سه محور منش اخلاقی و معنوی، منش تعلیم و آموزش و منش پژوهش و تحقیق استاد مطهری، مورد تحلیل قرار گرفت. استاد مطهری در حوزه توجه به معنویات، دارای تقید به احکام دین، اهل تهجد، عبادت، ذکر و ارتباط با قرآن بود و امر تعلیم و تربیت را به عنوان وظیفه‌ای دینی با نیت قرب به خداوند انجام می‌داد. در منش علمی استاد مطهری می‌توان گفت: سخت‌کوشی و نظم به همراه احاطه علمی به حوزه‌های مختلف، در کنار مهربانی و خوش‌خلقی و رعایت ادب علمی، حق‌مداری و رعایت انصاف در بحث، همراه با مدیریت قوی ذهن و کلاس و طرح مسائل کاربردی و جدید به سبک علمی و ترتب منطقی مباحث، کلاس‌های ایشان را برای مخاطبان مختلف جذاب و پرنشاط کرده بود. عمق تحقیق و دوری از شتاب‌زدگی و سطحی‌نگری به همراه حریت و آزادگی علمی، مسئله‌محور و کاربردی بودن موضوعات مورد بحث، به علاوه مهارت روان‌نویسی توأم با قوت علمی مسائل سخت فکری، از ویژگی‌های قلمی استاد مطهری است که آثار او را همچنان در ردیف بهترین آثار پژوهشی حوزه معارف اسلامی قرار داده است. برای رسیدن به هدف تربیت معلم هدایت‌گر، باید در هر سه حوزه اخلاق، معنویات و شیوه‌های آموزشی و پژوهشی، در جهت رسیدن به وضعیت مطلوب، برنامه‌ریزی مناسب صورت گیرد. پیشنهاد می‌شود در قالب برنامه فرهنگی، معرفی استاد مطهری به عنوان الگوی استاد پژوهشگر، برای اساتید دانشگاه فرهنگیان و به عنوان الگوی معلم موفق برای دانشجومعلم‌ان، مورد توجه خاص قرار گیرد.

— منابع —

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- انتشارات مدرسه (۱۳۷۰). *جلوه‌های معلمی استاد مطهری*. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- باقری، خسرو (۱۳۸۵). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)، ج ۱.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). *غررالحکم و درر الکلم*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
- خردمند، محمد (۱۳۸۰). *شهید مطهری مرزبان بیدار*. تهران: امیرکبیر.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۵۸). *صحیفه امام*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۷.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۰). *صحیفه امام*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۴.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۵). *چهل حدیث*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- رمضانی، فاطمه؛ حیدری، محمدحسین؛ نوروزی، رضا علی (۱۳۹۸). *بازشناسی الگوی معلم الهام‌بخش مبتنی بر احوالات سه گانه معلم برجسته ایران معاصر محمدحسین نایینی، محمدحسین طباطبایی و مرتضی مطهری*. تربیت اسلامی، شماره ۳۰، ص ۱۵۵-۱۷۶.
- سبحانی، جعفر؛ باقی نصرآبادی، علی؛ نگارش، حمید (۱۳۸۱). *رمز موفقیت استاد مطهری*. قم: امام عصر (عج).
- سروش، عبدالکریم (۱۳۶۰). *یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری*. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*، ۱۳۹۰.
- سید ناصری، حمیدرضا؛ ستوده، امیررضا (۱۳۷۷). *پاره‌ای از خورشید (گفته‌ها و ناگفته‌هایی از زندگی استاد مطهری)*. تهران: ذکر.
- شهید ثانی (۱۳۵۹). *آداب تعلیم و تعلم در اسلام*. نگارش سید محمدباقر حجتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صدوق، علی بن الحسین (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۲.
- طباطبایی، سید محمدحسین (بی‌تا). *اصول فلسفه و روش رئالیسم*. قم: انتشارات صدرا، ج ۱.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۸۸). *سیر حکمت در اروپا*. تهران: انتشارات زوار.
- کریمی جشتی، جابر؛ نصر اصفهانی، احمدرضا (۱۳۸۴). *بررسی ویژگی‌های معلمی و روش تدریس استاد مطهری*. آموزه، شماره ۲۵، ص ۶-۲۰.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۷۳). *هشدارها و نکته‌های تربیتی*. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*. تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳.
- گیلانی، عبدالرزاق (۱۴۰۰ق). *مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه*. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. بیروت: دارالتراث احیاء العربی، ج ۲.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*. بیروت: موسسه الوفاء، ج ۳۲، ۷۵.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴). *میزان الحکمه*. قم: انتشارات دارالحدیث، ج ۳.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۸۲). *عالم جاودان شهید مرتضی مطهری*. تهران: وزارت اطلاعات.
- مصباح یزدی، مجتبی (۱۳۹۹). *بنیاد اخلاق*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). *آفتاب مطهر*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۹). *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: افست سهامی عام.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۰). *خدمات متقابل اسلام و ایران*. قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). *حق و باطل*. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۳). *گفتارهای معنوی*. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۶). *داستان راستان*. تهران: انتشارات صدرا، ج ۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷/الف). *پاسخ‌های استاد به کتاب نقدهایی بر مسئله حجاب*. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷/ب). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *علل گرایش به مادی‌گری*. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). *فطرت*. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). *سیری در سیره نبوی*. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (بی‌تا/الف). *عدل الهی*. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (بی‌تا/ب). *انسان و سرنوشت*. قم: انتشارات صدرا.
- مهدوی‌کنی، محمدرضا (۱۳۷۶). *سخنرانی*. نشریه حوزه.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. قم: موسسه آل بیت لإحياء التراث، ج ۱.
- واثق‌راد، محمدحسین (۱۳۶۴). *مطهری مطهر اندیشه‌ها*. تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.